

نامه باستان میر جلال الدین کزازی



دکتر زاکری تاریخ
دکترای تاریخ ایران باستان
مدیرمس دانشگاه پیام نور،
واحد کرج

شاهنامه پژوهان، جای شگفتی و گلایه دارد. هر یک از مقاله‌های دکتر آیدنلو به یک جلد (از یکم تا پنجم) از نامه باستان پرداخته است که از سال ۸۰ تا ۸۶ به چاپ رسیده‌اند.^{۱۵} در هر مقاله پس از اشاره به ارزش و جایگاه کار استاد کزازی در ویرایش و گزارش شاهنامه و کمبود این گونه کارهای فراگیر و فراخ‌دامن درباره شاهنامه، با باریک‌بینی مواردی از گزینش واژگان از دستنویس‌ها یا ویرایش‌های قیاسی و یادریخش‌گزارش، بررسی شده و پس از نقدها و انگاره‌هایی چند، پیشنهادهایی داده شده است.^{۱۶}

در نامه باستان از جلد دوم شیوه گزارش و رویکرد کمی دیگرگون شد. این جلد بخشی محتوایی است، از جمله گزارش گسترده‌تر با این هدف که برای خوانندگان بیشتری سودمند بیفتد و فقط برای دانشگاهیان نباشد و بخشی نیز در آرایش و ساختار کتاب است، از جمله بردن برافزوده‌ها به پایان کتاب. از این جلد برخی اختلاف دست‌نویس‌ها (دگرنوشت‌ها)^{۱۷} در مورد ریخت واژگان یا کاستی‌ها و افزودگی‌ها بررسی و دلیل گزینش بیان شده است. همچنین بهره گرفتن از دو دستنویس فلورانس و کناره ظفرنامه^{۱۸} از این جلد به بعد بر ارزش این ویرایش افزوده است؛ چرا که در کار ویرایش متن‌های کهن بایسته است بیشتر از دست‌نویس‌ها (آن‌هم هر چه کهن‌تر و معتبرتر) بهره گرفته شود و چاپ‌ها (آن‌هم چاپ‌های معتبر و روش‌مند)، که خود ویرایشی از دست‌نویس‌ها هستند، دست‌مایه‌های فرعی ویرایش می‌توانند باشند.

هر جلد از این مجموعه دارای ۴ بخش است: بخش نخست دیباچه و جستاری در شاهنامه‌پژوهی از نویسنده؛ بخش دوم بیت‌های شاهنامه به ویرایش و گزینش نویسنده؛ بخش سوم گزارش، شرح و معنی بیت‌ها و داستان‌ها؛ بخش چهارم دو واژه‌نامه و کتاب‌نامه. در ادامه به فراخی به ویژگی‌های هر بخش پرداخته خواهد شد.

بخش نخست کتاب:

نه جستار پیرامون اسطوره‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی در آغاز هر جلد نامه باستان منتشر شده است؛ دیباچه‌ای بی‌نام در سنجش شاهنامه با حماسه‌های یونان و روم و درباره شعر ناب (جلد ۱)؛ دیباچه‌ای بی‌نام در نقد آشفستگی هنر و فرهنگ (جلد ۲)؛ «تاریخی شدن اسطوره و اسطوره‌ای شدن تاریخ» (جلد ۳)؛ «خودکامگی خاورانه و فرمانروایی ایرانی» (جلد ۴)؛ «قافیه در شاهنامه» (جلد ۵)؛ «آرش کمانگیر» (جلد ۶)؛ «ویرایش نواز متن کهن» (جلد ۷)؛ «بزم

نامه باستان بیشتر و از آغاز بر پایه شاهنامه چاپ مسکو بوده اما در آن از چندین چاپ (ویراسته) و دو دستنویس^۱ نیز بهره گرفته شده است؛ از جمله ویراسته‌های: ژول مول^۲، جلال خالقی مطلق^۳، کلاله خاور^۴، محمد دبیرسیاقی^۵ (از جلد یکم)^۶، مجتبی مینوی (در جلد دوم و برای داستان رستم و سهراب)^۷، مصطفی جیحونی^۸ (از جلد چهارم) و نیز دستنویس‌های فلورانس (۱۶۱۴ق)^۹ و کناره ظفرنامه حمدالله مستوفی^{۱۰} (۸۰۲ق) (از جلد دوم)^{۱۱}. از میان چاپ‌ها، دو چاپ کلاله خاور و دبیرسیاقی به دلیل پیروی نکردن از روش ویرایش علمی، در دست نداشتن کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس‌ها و نیز بهره‌گیری و پیروی زیاد از چاپ کم‌ارزش ترنر مکن (۱۸۲۹م، هند)^{۱۲}، خطاها، کاستی‌ها و برافزوده‌های بسیار دارند و بهره‌گیری از آنها کمک شایانی به ویرایش شاهنامه نمی‌کند. از سوی دیگر، به کارگیری بجا و دانشورانه دو دستنویس با ارزش فلورانس و کناره ظفرنامه و شش ویراسته معتبر بر ارزش و اعتبار نامه باستان افزوده است.

نامه باستان در ۹ جلد^{۱۳} و زیری در انتشارات سمت از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ خ چاپ شده و تاکنون بارها باز چاپ شده است. بخش بندی داستان‌ها در این مجموعه به این گونه است: جلد یکم (چاپ نخست ۱۳۷۹) از آغاز تا منوچهر در ۴۸۱ صفحه؛ جلد دوم (چاپ نخست ۱۳۸۱) از نوذر تا پایان رستم و سهراب در ۶۸۶ صفحه؛ جلد سوم (چاپ نخست ۱۳۸۲) داستان سیاوش در ۶۱۲ صفحه؛ جلد چهارم (چاپ نخست ۱۳۸۳) از داستان فروذ تا اکوان دیو در ۷۵۲ صفحه؛ جلد پنجم (چاپ نخست ۱۳۸۴) از داستان بیژن و منیژه تا لهراسب در ۹۷۵ صفحه؛ جلد ششم (چاپ نخست ۱۳۸۴) از لهراسب تا دارای داراب در ۹۳۰ صفحه؛ جلد هفتم (چاپ نخست ۱۳۸۵) از اسکندر تا بهرام گور در ۹۴۰ صفحه؛ جلد هشتم (چاپ نخست ۱۳۸۶) از یزدگرد تا هر مزد در ۸۱۴ صفحه؛ جلد نهم (چاپ نخست ۱۳۸۷) از خسرو پرویز تا یزدگرد سوم در ۵۷۶ صفحه. که بر روی هم در ۹ جلد به ۶۷۶۶ صفحه می‌رسد که در میان انگشت‌شمار ویرایش‌ها و گزارش‌های متون نظم و نثر ادب فارسی که تاکنون به چاپ رسیده است، از بزرگ‌ترین و مفصل‌ترین آنها به شمار می‌آید.^{۱۴}

به جز پنج مقاله از دکتر سجاد آیدنلو جستار دیگری در معرفی یا نقد نامه باستان (البته در دایره جستجوی نگارنده) یافت نشد که با توجه به اهمیت و ارزش کتاب و شمار فراوان دانشجویان، استادان زبان و ادب فارسی و نیز

به گمان نگارنده، ویرایش شاهنامه از گزارش آن بسیار دشوارتر و مهم‌تر است؛ البته ویرایشی دانشورانه و روش‌مند؛ چرا که نیازمند دانش و چیرگی بسیار و بسنده در چند زمینه است که از آن میان می‌توان به دست‌نویس‌شناسی، زبان‌شناسی، خط‌شناسی، ریشه‌شناسی، زبان‌های باستانی و میانه ایرانی، گویش‌های ایرانی نو



نامه باستان

یارزم: کدامیک؟»^{۳۳} (جلد ۸)؛ «زال: زروان شاهنامه»^{۳۴} (جلد ۹)^{۳۳}. نویسنده در هر جلد استوار که همانند دیباچه یادآمید سخن برای هر جلد است، پرسش یا انگاره‌ای دانشورانه را در زمینه‌ای از دانش شاهنامه‌شناسی با خواننده در میان نهاده و گاه بخش‌هایی تاریک از این دانش را کاویده است.

بخش دوم کتاب:

این بخش در هر جلد، بیت‌های ویراسته شاهنامه است و البته بسیاری از بخش‌هایی را که ویراستار گرامی برافزوده (الحاقی) دانسته است (که در چاپ‌های دیگر اصلی دانسته شده‌اند) نیز دارد. در جلد یکم، این بخش‌های برافزوده در دو قلاب [] و در درون داستان‌ها هستند ولی از جلد دوم، به پایان این بخش (پس از پایان داستان‌ها در هر جلد) جابه‌جا شده‌اند. از ویژگی‌های برجسته این بخش دقت و باریک‌بینی ویراستار در حرکت‌گذاری (زیر و زیرگذاری) و نشانه‌های سجاوندی است. بهره‌گیری‌های فراوان و بجا از نشانه‌های: نقطه، ویرگول، نقطه-ویرگول، گیومه، نشانه‌های پرسشی، تعجبی و پرسشی-تعجبی (؟)، خواندن متن و درک و دریافت خواننده از معنی جمله‌ها و بیت‌ها را بسیار آسان‌تر کرده است. این ویژگی نه تنها برای خواننده عمومی، بلکه برای دانشجویان، دانش‌آموختگان و استادان ادب فارسی نیز بسیار راه‌گشاست؛ چرا که درست خوانی متن شاهنامه بسیار دشوار و مهم است و گام نخست در دریافت معنی روایت و فهم و تفسیر آن نیز همین خواندن درست و آژه‌ها و دانستن آغاز و انجام هر جمله و جدا کردن بازگفت‌ها (نقل قول) است. در این راستا، ویراستار گرامی این دشواری را که هم نیازمند صرف زمان زیاد است و هم رسیدن به فهم و داوری درست در بسیاری از دشواری‌های بیت‌ها و داستان‌ها، بر خود هموار کرده است. برخی داستان‌های شاهنامه پر از بازگفت‌ها و جمله‌های کوتاه، بلند و معترضه است که جداسازی آنها کار ساده‌ای نیست. گاهی یک بازگفت یا باززد (مثل) در درون بازگفتی دیگر جای گرفته است. نیز شناسایی نهاد، فعل و دیگر اجزای جمله همیشه ساده و آشکار نیست. از این رو، ویراستار پیش از نشانه‌گذاری‌ها می‌بایست همه این بررسی‌ها و واکاوی‌ها را انجام داده و به دید و داوری شایسته‌ای رسیده باشد که بایسته این مهم، دانش و تیزهوشی بسیار و آشنایی با سبک و زبان شاهنامه و دیگر متن‌های نظم فارسی است.

به گمان نگارنده، ویرایش شاهنامه از گزارش آن بسیار دشوارتر و مهم‌تر است؛ البته ویرایشی دانشورانه و روش‌مند؛ چرا که نیازمند دانش و چیرگی بسیار و بسنده در چند زمینه است که از آن میان می‌توان به دست‌نویس‌شناسی،

زبان‌شناسی، خط‌شناسی، ریشه‌شناسی، زبان‌های باستانی و میانه ایرانی، گویش‌های ایرانی نو، ادب نظم و نثر فارسی نو، تحولات خط و زبان فارسی، اسطوره‌شناسی، حماسه‌پژوهی، خدای‌نامه‌پژوهی، ادیان ایران باستان، تاریخ فرهنگ ایران، فرهنگ عامه، تاریخ ایران باستان و تاریخ‌های ملی ایرانی (عربی و فارسی) اشاره کرد.^{۳۵} روشن است که ویراستار شاهنامه به هر میزان که در این زمینه‌ها کاستی و کمبود داشته باشد یا باوری به باستگی دانستن آنها نداشته باشد، از درستی و اعتبار کار او کاسته خواهد شد. شاهنامه فقط متنی ادبی یا یک دیوان شعر نیست که یک متخصص ادب فارسی پس از شناخت خط و زبان فارسی و آشنایی با واژگان، دستور زبان و نیز عروض و قافیه و حتی همه نظم فارسی بر همه سویه‌ها و دشواری‌های آن چیره و آگاه باشد. شاهنامه تاریخ‌روایی یا ملی ایران باستان از روزگار اسطوره تا پایان ساسانیان است که دوره به دوره هزاران نکته از فرهنگ، دانش‌ها، جهان‌بینی و فلسفه و حکمت ایرانی لابه‌لای داستان‌ها و گفتگوها جا داده شده و واپسین جامه آن را فرزانة توس از زبان و ادب فارسی دوخته و آراسته و بر پیکر آن پوشانیده است. بسیاری از نام‌های کسان و جای‌ها در منابع شاهنامه، همان ریخت زبانی میانه یا باستان خود را داشته‌اند (اوستایی، فارسی باستان یا فارسی میانه) یا با کمی دگرگونی یا گشتگی (تصحیف) به شاهنامه راه یافته‌اند. بازنشاسی و ویرایش آنها پس از بیش از هزار سال و از راه دست‌نویس‌های گوناگون و پرخطا، بسیار دشوار است و تنها با دانستن زبان‌های باستانی شدنی می‌نماید.

ویراستار گرامی با بهره‌گیری از همه ابزارهای بایسته و اندوخته‌های خود، و بهره‌گیری هوشمندانه از ویرایش‌ها و گزارش‌های اندک موجود، و با سنجش، گزینش و آمیزش دست‌نویس‌ها و چاپ‌هایی که اشاره شده، به ویرایشی پاکیزه‌تر و نژاده‌تر از متن شاهنامه رسیده است. با این کار

شاهنامه تاریخ‌روایی یا ملی ایران باستان از روزگار اسطوره تا پایان ساسانیان است که دوره به دوره هزاران نکته از فرهنگ، دانش‌ها، جهان‌بینی و فلسفه و حکمت ایرانی لابه‌لای داستان‌ها و گفتگوها جا داده شده و واپسین جامه آن را فرزانة توس از زبان و ادب فارسی دوخته و آراسته و بر پیکر آن پوشانیده است

بسیاری از ریخت‌های اصلی و کهن‌تر واژه‌ها و نام‌ها که در برنوس‌های سده‌های سپسین با ریخت‌های نو جابه‌جا شده بودند، به متن شاهنامه بازگشتند. همچنین برخی داستان‌ها و بیت‌های برافزوده که سده‌ها از فردوسی دانسته می‌شد، از متن زدوده شدند.^{۲۶} گرچه تازمانی که دستنویسی درست و کامل از روزگار فردوسی یافته شود، همه ویرایش‌ها کاستی‌ها و دگرگونی‌های زیادی با سروده فرزانه توس دارند و هدف ویرایش علمی نزدیک شدن پیش از پیش به اصل شاهنامه فردوسی است.^{۲۷}

بخش سوم کتاب:

این بخش گزارش، معنی و شرح فراخ و باریک‌بینانه واژه‌ها، بیت‌ها و داستان‌های شاهنامه است که گسترده‌ترین و از دید بسیاری از شاهنامه‌پژوهان سودمندترین بخش نامه باستانش قلمداد می‌شود. در این بخش رویکردهای ریشه‌شناسی و ریخت‌شناسی واژه‌های شاهنامه، جغرافیای تاریخی، اسطوره‌شناسی، نمادشناسی، سبک‌شناسی، ادیان ایران باستان، باورشناسی و زیبایی‌شناسی ادبی به کار گرفته شده است. درباره جابایی نام‌جای‌ها از معتبرترین و کهن‌ترین نوشته‌های جغرافیایی گواه‌ها و نمونه‌های بسیار آمده است.^{۲۸} درباره ریشه‌شناسی و معنای نام کسان به انگاره‌های بسیاری از ایران‌شناسان و زبان‌شناسان اشاره شده^{۲۹} و گاه نویسنده انگاره خویش را نیز در میان نهاده است. درباره اسطوره‌های ایرانی نیز نویسنده با بهره‌گیری از متون اوستایی و فارسی میانه و گاه آوردن بخش‌هایی از آنها، به گونه‌های کهن‌تر و تازه‌تر داستان‌ها و رخدادها پرداخته است. با گرد آمدن این ویژگی‌ها و رویکردها و با معنی و گزارش بیت‌های دشوار و گره‌گشایی از برخی پیچیدگی‌ها و گنگی‌های موجود (که در شاهنامه کم نیستند)، بی‌گمان نامه باستان یکی از کامل‌ترین و سودمندترین گزارش‌های شاهنامه در جهان شاهنامه‌شناسی قلمداد می‌شود و از دید برخی رویکردها و در گزارش برخی بیت‌ها و دشواری‌های یگانه منبعی است که راهنما و گره‌گشاست.

بخش چهارم کتاب:

در پایان هر جلد دو واژه‌نامه دیده می‌شود: نخست، واژه‌های پارسی که برابر نهاد واژه‌های بیگانه‌اند و بیشتر آنها پیشنهاد نویسنده است به همراه واژه بیگانه برابر نهاد، که به ترتیب الفبایی زیر نام «فرهنگ واژگان» آمده‌اند. این بخش، هم برای فهم متن نویسنده و هم برای یادگیری علاقمندان سودمند است. دودیکر، واژه‌نامه‌ای به ترتیب الفبایی از واژه‌های ریشه‌شناسی شده در متن است زیر

نام «واژه‌نمای ریشه‌شناختی» و با شماره بیت مشخص شده و برای دیدن ریشه و ریخت‌های پیشین نام‌ها و واژه‌ها بسیار راهگشا است. پس از واژه‌نامه‌ها و در انجام هر جلد منابع و آبخش‌خورهای به کار گرفته شده در گزارش بیت‌ها زیر نام «کتاب‌نما» فهرست شده و در دو بخش منابع فارسی و غیرفارسی دیده می‌شوند. همچنین در جلد‌های یکم و چهارم بخش منابع غیرفارسی با حروف اختصاری و زیر نام «فهرست اختصارات» جدا شده است.

با توجه به موارد و گواه‌هایی که به فشرده‌گی و شتابان بیان شد بی‌گرافه می‌توان گفت نامه باستان یکی از بهترین و کم‌خطاترین ویراسته‌های شاهنامه با کمترین کاستی و برافزوده و نیز یکی از کامل‌ترین و سودمندترین شرح و گزارش‌های شاهنامه است. هر چند با یافته شدن چند دستنویس تازه،^{۳۰} چاپ ویرایش تازه استاد خالقی مطلق^{۳۱}، انتشار مقالات تازه در شاهنامه‌شناسی و نیز دریافت‌ها و دیدگاه‌های تازه‌تر خود استاد کزازی، نیاز به بازنگری و بازپرسی این اثر و اصلاح و تکمیل برخی گزارش‌ها بایسته و شایسته می‌نماید.^{۳۲}

پانویس‌ها:

۱- نسخه خطی

۲. Jules. Mohl, Le livre des rois, par Abou Iksim Firdousi. Publie, traduit et vols. Paris ۷. commente par M. Jules Muhl ۱۸۳۸-۱۸۷۸.

شاهنامه ویراسته‌ی ژول مول، ۱۰ جلد جیبی، ترجمه‌ی مقدمه: جهانگیر افکاری، تهران: سازمان کتابهای جیبی، ۱۳۴۴.

۳. شاهنامه، ویرایش جلال خالقی مطلق با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، ۸ ج، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵-۱۳۸۷. یادداشت‌های شاهنامه، جلال خالقی مطلق، ۳ ج، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹ (پیش‌تر: ۲ جلد، نیویورک ۲۰۰۱م).

۴. ویرایش محمد رمضان که نخستین بار سال ۱۳۱۲ در جلد ۵ با مقدمه‌ی غلامرضا رشید یاسمی چاپ شد و در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۵۴ باز چاپ شد. این ویراسته که به چاپ کلاله خاور (نشر) نامدار شده است بر پایه‌ی چاپ‌های کم‌ارزش متنولا مسدن (۱۸۱۱م) و ترنر مکن (۱۸۲۹م) در هند انجام شده و از آن‌رو که چاپ‌های هند از دستنویس‌های کهن و با ارزش بهره‌نبرند (کهن‌ترین دستنویس آنها ۸۲۱ق بوده است) کاستی‌ها و خطاهای آنها به چاپ‌های ایران راه یافت. افزون بر آن، محمد رمضان

بی‌گمان نامه باستان یکی از کامل‌ترین و سودمندترین گزارش‌های شاهنامه در جهان شاهنامه‌شناسی قلمداد می‌شود و از دید برخی رویکردها و در گزارش برخی بیت‌ها و دشواری‌های یگانه منبعی است که راهنما و گره‌گشاست

دانش دایره‌های کافی برای کار مهم و برایش شاهنامه را نداشت.
۵. در ۶ جلد، در سال ۱۳۳۵ و بر پایه‌ی چاپ کم‌ارزش‌ترین مکن.

۶. نامه‌ی باستان، ج ۱، ص ۳.

۷. در دهه‌ی پنجاه خورشیدی چند تن از شاهنامه‌پژوهان به سرپرستی استاد مجتبی مینوی برنامه‌ی ویرایش شاهنامه را آغاز کردند. جدایی از کاستی‌هایی در گزینش کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس‌ها و نیز روش ویرایش، از دیگر ایرادات این برنامه این بود که کار را از آغاز شاهنامه بی‌نگرفتنند و تنها دو داستان باند و البته مهم شاهنامه به انجام رسید: «رستم و سهراب» و «سپاس».

۸. شاهنامه فردوسی، ویراسته‌ی مصطفی جیحونی، ۵ جلد (جلد نخست مقدمه و چهار جلد شاهنامه)، اصفهان: انتشارات شاهنامه‌پژوهی، ۱۳۷۹.

۹. برای آگاهی از ویژگی‌ها و اهمیت این دستنویس بنگرید به: جلال خالقی مطلق، «دستنویس شاهنامه‌ی مورخ ششمصد و چهارده ق. (دستنویس فلورانس)»، ایران‌نامه، ۱/۱۳۶۷، ص ۶۳-۹۴؛ ابوالفضل خطیبی، «اصالت کهن‌ترین نسخه‌ی شاهنامه»، نشر دانش، س ۲۱، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۸-۳۸.

۱۰. درباره‌ی این دستنویس بنگرید به: ابوالعلاء سودآور، «ظفرنامه و شاهنامه‌ی مستوفی»، ایران‌شناسی، س ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴؛ علیرضا شاپور شهبازی، «ظفرنامه حمدالله مستوفی»، نشر دانش، س ۱۷، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶ (ش پیاپی: ۹۳)، ص ۷۳-۷۴.

۱۱. نامه‌ی باستان، ج ۲، ص ۲۰.

۱۲. بنگرید به: ایرج افشار، «شاهنامه از خطی تا چاپی»، کتابشناسی فردوسی و شاهنامه، به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰.

۱۳. این مجموعه قرار است با جلد دهم که شامل نمایه‌هاست به فرجام برسد که تاکنون چاپ نشده است.

۱۴. از آن جمله می‌توان به شاهنامه‌ی ویرایش و گزارش استاد جلال خالقی مطلق و همکاران (محمود امینسالار و ابوالفضل خطیبی)، ۹ جلد (رحلی) شاهنامه، ۳ جلد گزارش (یادداشت‌ها) و ۱ جلد بیت‌یاب (علسی ایمانی و خدیجه خسروی)، نشر: آیه‌المعارف بزرگ اسلامی و نیز شاهنامه‌ی ویرایش و گزارش زنده‌یاد استاد عزیزالله جوینی، ۷ جلد زبیری، نشر دانشگاه تهران، اشاره کرد. که البته شاهنامه‌ی ویرایش استاد جوینی تنها نیمه‌ی نخست شاهنامه است چرا که ویرایش دستنویس فلورانس است که جلد دوم این دستنویس تاکنون یافت نشده است. در مورد دیگر متون نظم فارسی بسنجید با: شرح جامع مثنوی معنوی، کریم زمانی، نشر ادبلاغات در ۷ جلد و زبیری.

۱۵. نقد جلد‌های یکم و دوم در کتاب ماه فلسفه و ادبیات (س ۸۰، ۸۲)، جلد سوم در نامه پارسی (س ۸۵) و جلد‌های چهارم و پنجم در جهان کتاب (س ۸۶) به چاپ رسیده است.

۱۶. آیدنلو، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶.

۱۷. Variant، که استاد کزازی برای آن اصطلاح «پچین شناسی» را برگزیده‌اند.

۱۸. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به: ظفرنامه حمدالله مستوفی قزوینی به انضمام شاهنامه فردوسی به تصحیح حمدالله مستوفی، زیر نظر: نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار، تهران: نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش، ۲ جلد، ۱۳۷۷.

۱۹. نیز چاپ شده در: مجله هومن، مهر ۱۳۸۲.

۲۰. نیز چاپ شده در: در آسمان جان، نشر معین، ۱۳۸۷، صص ۶۶-۷۰.

۲۱. نیز چاپ شده در: در آسمان جان، نشر معین، ۱۳۸۷، صص ۵۰-۵۹.

۲۲. نیز چاپ شده در: در آسمان جان، نشر معین، ۱۳۸۷، صص ۶-۶۵.

۲۳. این جستار همچنین در آسمان جان، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۴۵ و نیز در رازهای شاهنامه (جستارهایی در یادبود هزاره جهانی شاهنامه) ۱۳۹۰، به کوشش یاسر مؤجدفرد، صص ۲۰۱-۲۱۲، باز چاپ شده است.

۲۴. سه جستار از این جستارها پیشکش شده به بانوبهاره معصومی، دکتر عالی داودآبادی و دکتر احمدی (سرپرست سازمان سمت).

۲۵. نگارنده دانش‌ها و شاخه‌های دانشگاهی امروز را که می‌توانند از شاهنامه بهره ببرند، در جستاری بررسی کرده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: زاگرس زند، «ارزش شاهنامه برای پژوهش‌های علمی»، اسر داد، س ۱۲، ش ۱۳۹۱، ۲۷۶.

۲۶. برای نمونه داستان‌های: بنیاد نهادن جشن سده از سوی هوشنگ، داستان رستم و پیل سپید و داستان رفتن رستم به کوه سپید.

۲۷. گفتنی است که کهن‌ترین دستنویس یافته شده (فلورانس ۶۱۴ ق) بیش از دو بیست سال پس از روزگار زندگی فردوسی برنویسی شده است.

۲۸. هسانده سالک و ممالک اسطخری، حدود العالم و فارسنامه‌ی ابن بابویه.

۲۹. همانند یوستی، بار تولوجا، مکنزی.

۳۰. مانند دستنویس سن ژوزف بیروت.

۳۱. شاهنامه، ویرایش جلال خالقی مطلق، تهران، نشر سخن، ۱۳۹۳، ۲ جلد.